

حکایت جامعه‌شناسی

تألیف

دکتر عباس محمدی اصل



شعر

سرشناسه	: محمدی اصل، عباس، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: حکایت جامعه شناسی / عباس محمدی اصل.
مشخصات نشر	: تهران: علم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۰ ص.
شابک	: 978 - 964 - 405 - 806 - 6
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۸.
موضوع	: جامعه شناسی.
رده بندی کنگره	: ح ۸/م ۳۳/ HM۵۸۵
رده بندی دیویی	: ۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۴۹۵۶۸



نسخه

حکایت جامعه شناسی

عباس محمدی اصل

چاپ اول، ۱۳۹۰

نیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

لینوگرافی: کوثر

چاپ و صحافی: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۰۵ - ۸۰۶ - ۶

فهرست

۹	سخنی با خواننده
۱۱	مقدمه
۱۷	تجربه زندگی اجتماعی
۲۱	رشته جامعه‌شناسی
۳۲	جامعه‌پذیری
۴۲	زبان
۴۶	نهاد
۵۰	گروه اجتماعی
۵۴	خانواده
۶۴	اجتماع
۶۸	قشر بندی
۷۳	طبقه
۷۸	آموزش و پرورش
۸۴۶	کنترل اجتماعی
۸۹	دیوان‌سالاری
۹۳	جوانان
۹۹	کار و فراغت
۱۰۳	قدرت
۱۰۷	انحراف
۱۱۱	تغییر اجتماعی
۱۱۶	ارگانیسم رفتاری
۱۲۰	ارزش
۱۲۷	سرگذشت چشم‌اندازهای جامعه‌شناسی
۱۴۸	منابع

سخنی با خواننده

این کتاب، حکایتی است از جامعه‌شناسی. حکایتی مقدماتی برای معرفی این علم به علاقمندان و دانشجویان تازه‌وارد به این رشته که امیدوارم چنین تلاشی باعث افزایش علاقه به این حوزه علمی شود و امید امیدواران به آن را ناامید نکند. امیدی که زمزمه اصلاحات است و زمینه‌ایی برای سازندگی.

به هر روی در این حکایت تلاش می‌شود شناخت جامعه با تجربه فردی زندگی اجتماعی همراه گردد. اگر در این راه توفیقی حاصل آید، همخوانی زندگی فردی با دریافت‌های جامعه‌شناسی سبب خواهد شد ساخت‌ها و کارکردهای جامعه از دریافتی شهودی در ذهن بهره یابد. بنابراین نمی‌توان مباحث کتاب را جدا جدا به عنوان دریافتی جامعه‌شناختی به حساب آورد. درک کلیت نظام اجتماعی نخستین شرط دریافت جریان سیال اطلاعات جامعه‌شناختی است. مثلاً مطالعه نهاد خانواده و پیری و قدرت و انحراف رفتاری و ارزش‌آنگاه می‌تواند شکل ساختی به خود گیرد که پس از این دریافت تحلیلی بتوان جریان اعمال قدرت یا بروز انحراف رفتاری در خانواده را دنبال کرد و تحول ارزش‌ها را به عنوان شالوده حفظ حرمت پیران در انتقال آنها به سرای سالمندان درک نمود. نکته مثبت در آن است که تجربه زندگی روزمره افراد در جامعه می‌تواند به دریافت تألیفی این ساخت انضمامی کمک کند و شناخت نهادهای اجتماعی و روابط آنها را از حالت مجرد خارج نماید.

برای رسیدن به این هدف به جای آن که داده‌های آماری زیادی ارائه کنم، بیشتر به دامن مفاهیم و دیدگاه‌های نظری آویخته‌ام. گستردگی وسیع داده‌ها در حوزه جامعه‌شناسی البته بدون این مفاهیم و نظریات قابل دریافت نیست. از سوی دیگر کوشیده‌ام این مفاهیم و نظریات نیز خیلی مجرد و خشک نماند و در پی‌گیری مطلب، کشش ایجاد کند. اگر روشن شود که چگونه این نظریات، صورت‌بندی همان رویدادهای روزمره زندگی هستند؛ آنگاه نگاهی کلی به روش‌شناسی اجتماعی نیز حاصل می‌آید.

همچنین ملکه شدن مفاهیم و نظریات خصوصاً هنگام برقراری ارتباطات شفاهی موجب خواهد شد رفته رفته تعاریف مشخص و عینی اصطلاحات جامعه‌شناسی جایگزین دریافت‌های سطحی معرفت عامیانه از آنها گردد. بازگو کردن حکایت جامعه‌شناسی از سوی دیگر به خواننده چشم‌اندازی تطبیقی در نگاه به مسائل اجتماعی می‌دهد که او را با نسبت آشنا کرده و مانع ارائه احکام و قضاوت‌های یک‌بعدی و صلب راجع به واقعیت زندگی جمعی می‌شود.

بر این اساس، نظریات جامعه‌شناختی به شکل مجزا مطرح نگردیده؛ بلکه تلاش شده تا دریافت آنها به اتکای تفسیر تجربیات عملی زندگی دست دهد. این داده‌های تجربی از زندگی اجتماعی معاصر گرفته شده‌اند. این کار به معنای خودمختوربینی نیست و بیشتر نوعی روش آشنایی با جامعه جلوه می‌کند. جمع‌بندی نظری واقعیت‌های اجتماعی پس از مقایسه ذهنی آنها با شرایط جاری زندگی روزمره می‌تواند مبنایی باشد که بتوان از آن طریق به درک نسبت این زندگی در مقایسه با زندگی سایر جوامع نائل آمد. در این تلاش عملی، از تأکید یک جانبه بر نظریه یا نظریه‌هایی معین صرف نظر شده و آگاهی کلی از نگاه جامعه‌شناختی نسبت به واقعیت‌های اجتماعی مراد گردیده است. احتمالاً عدم توافق بر سر این واقعیت‌ها است که باعث دور شدن دیدگاه‌های نظری از یکدیگر می‌شود و از ارائه معیاری به آنها برای قضاوت راجع به حقیقت نظریاتشان امتناع می‌کند. این معیار تا آنجا که از خود واقعیت زندگی برگرفته شود، وجه انسانی دارد. این وجه انسانی پیش از تبدیل مناسبات جاری در زندگی روزمره به نظم نهادین نظری، معیار زنده ارزیابی قدرت و ضعف نظریات جامعه‌شناختی حتی در ذهن مبتدی دانشجویان واقع می‌شود و آنان را به بینشی سیال و لغزنده نسبت به واقعیت عینی زندگی اجتماعی می‌رساند. این، سرآغاز ورود به مباحث پیچیده‌تر نظری و روشی در جامعه‌شناسی است تا دیگر نگویند:

وجود ما معمایی است حافظ که تحقیقش فسون است و فسانه

عباس محمدی اصل

دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

جامعه‌شناسی (Sociology) یعنی مطالعه علمی جامعه. این مطالعه اما از لحاظ روش و نظریه و موضوع، مناقشاتی در بر دارد. از جهت روش، سؤال این است که آیا روش علوم طبیعی را می‌توان برای شناخت پدیده‌های اجتماعی به کار گرفت؟ در حوزه نظریه نیز سؤال این است که چگونه می‌توان پدیده‌های نامشهود اجتماعی را از طریق مفاهیم، تعمیم بخشید؟ بالاخره، از بعد موضوع هم سؤال این است که دامنه و حوزه پدیده‌های اجتماعی قابل مطالعه جامعه‌شناسی تا کجا است؟

به لحاظ روشی، مسئله این است که آیا جامعه‌شناسی از رشته وقایع منفرد تاریخی پرده برمی‌گیرد یا قادر است نظمی در وقوع امور بیابد که شالوده انتظامی معرفت شناختی را رقم زند. به علاوه چگونه می‌توان صحت روش تحقیق در این عرصه را به نحوی متمایز از صحت مراحل تحقیق در نظر آورد و مورد تأمل و بلکه سنجش و اندازه‌گیری قرار داد.

تعمیم جامعه‌شناختی مقولات عام اجتماعی، هنگامی که با پیچندگی یگانه انسان مواجه می‌شود، به محدودیت می‌گراید. در این حال هم می‌توان صورت واقعیت اجتماعی را تبیین کرد و هم به فهم نیات انسان پرداخت. به عبارت دیگر هم می‌توان پدیده‌های اجتماعی را به آزمایش گرفت و هم می‌توان مقولات ذهنی نظیر انگیزه‌ها و ارزش‌ها را فهمید. اگر تبیین نشان دهنده علل مؤثر بر وقوع پدیده اجتماعی باشد و تفهم از دلایل ذهنی آن در نزد کنشگر حکایت کند؛ از یک سو می‌توان دلایل توضیح علی را یافت و از طرف دیگر می‌توان به علل بروز و پاگرفتن دلایل ذهنی عنایت نمود. در شکل کلی نیز یافتن روندها و خصائص عام اجتماعی کمک می‌کنند تا مقیاس‌هایی جهت مقایسه پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر و ارائه تعمیم‌هایی نسبتاً کلی و شدیداً در معرض

تغییر فراهم آید.

تعمیم‌پذیری صورت‌شناسی واقعیت اجتماعی از قابلیت آزمایشی علوم طبیعی بهره می‌گیرد. این تعمیم‌پذیری در معناشناسی واقعیت اجتماعی به کیفیت غیرآزمایشی نزدیک می‌شود. مع هذا تبیین تفهم و تفهم تبیین در عرصه تعاملات معرفتی، راهگشای نزدیک شدن این دو جلوه از واقعیت زیست اجتماعی به یکدیگر هستند.

بر این مبنا می‌توان هسته کنش را با عناصری چون انگیزه و گرایش و ارزش، فهمید و نسبت آنها را در صحنه تعاملات آدمیان با مشاهده، دید و قانونمندی قواعد پویش‌های اجتماعی را به مدد توصیف و تحلیل، سنجید. در این شرایط، تعاطی نظریه و روش در متن واقعیت زندگی اجتماعی به دریافت عمیق‌تری از دامنه و حدود مناسبات اجتماعی می‌انجامد.

جامعه‌شناسی از این حیث، کلی‌ترین علمی است که به نحو نمادین با پدیده‌های اجتماعی مرتبط می‌شود. این علم هم به نحو نمادین، پدیده‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد و آنها را در قالب نماد برای ذهن موجه می‌کند و هم به نحو نمادین بر سمت و سوی کنش‌ها و تعاملات و پویش‌های اجتماعی مؤثر می‌افتد.

جامعه‌شناسی، علم فرایندها و روابط اجتماعی است. در اینجا هم می‌توان صورت و فحوای پدیده‌های اجتماعی را بررسی و هم می‌توان موضوعات خاصی را از میان پدیده‌های اجتماعی مورد توجه قرار داد. هم می‌توان تاریخ نظم اجتماعی را پی گرفت و هم می‌توان نسبت خرده‌نظام‌های اجتماعی را تشریح کرد. به این ترتیب جامعه‌شناسی، ضمن ریخت‌شناسی سنخ‌ها و صور حیات اجتماعی، از مطالعه مناسبات اجزاء یا عوامل این حیات استقبال می‌کند و نهایتاً به مطالعه شرایط تغییر اجتماعی روی خوش نشان می‌دهد.

جامعه‌شناسی به منزله کانون عمومی همه علوم اجتماعی و محور انتظام کلیه معارف اجتماعی خاص، از جبرگرایی و تحلیل تک‌عاملی شانه خالی می‌کند و زایش و تکامل و کارکردهای ساختی جامعه را به تحقیق می‌گیرد. این ساخت‌ها از یک سو به شرایط زیست اجتماعی ناظرند، یعنی نمادهایی را در بر می‌گیرند که معنا و مفهومی فرهنگی در ذهن برمی‌انگیزند و از کلام تا اشارات و از پرچم تا ابنیه تاریخی را پوشش می‌دهند.

علوم تخصصی این عرصه عبارتند از: زبان‌شناسی، لغت‌شناسی، منطق، ریاضی، معنی‌شناسی، نشانه‌شناسی و دستور زبان و معانی و بیان. این ساخت از طرف دیگر، به همه طبقات و انواع شخصیت‌ها در قالب علوم تخصصی روان‌شناسی اجتماعی، روان‌پزشکی، روان‌کاوی و روان‌سنجی ناظر است. سپس در این ساخت، نوبت به طبقات کلی گروه‌های انسانی می‌رسد که علوم تخصصی گروه‌شناسی، روحیه‌شناسی و نظریه‌بازی‌ها را رقم می‌زنند. این ساخت در ادامه نهادهای هنر، اقتصاد، آموزش و پرورش، خانواده، حکومت، بهداشت، فراغت، دین، علم و رفاه اجتماعی را در بر می‌گیرد و علوم تخصصی زیبایی‌شناسی، اقتصاد، آموزش و پرورش، خانواده‌شناسی، سیاست، جامعه‌شناسی پزشکی، فراغت‌شناسی، خداشناسی، جامعه‌شناسی شناخت و مددکاری اجتماعی را به وجود می‌آورد. بالاخره این ساخت متضمن مقولات جامعه‌ای همچون طبقه و جنبش اجتماعی، عادات و رسوم قومی، جماعات و توده‌ها، واگیری اجتماعی (هوس و مد و هستری)، مخاطب و متکلم‌شناسی پیام‌های مبادلاتی و نواحی استقرارشناسی زندگی بوده و علوم تخصصی رای‌جویی، قشریندی اجتماعی، تأخر فرهنگی و ستیز و کنترل و تغییر اجتماعی را ممکن می‌سازد.

در ذیل این نظام مباحث بوم‌شناسی و جمعیت‌شناسی و در فراز آن مباحث معناشناسی و غایت‌شناسی مورد نظر قرار می‌گیرد. بوم و جمعیت، نیروی حرکت نظام را فراهم می‌آورند و معنا و غایت، اطلاعات مربوط به جهت‌یابی این حرکت را پی می‌ریزند. به علاوه، نظام اجتماعی در سطح فروخرد از ضمایر خودآگاه و ناخودآگاه سخن به میان می‌آورد و موضوع جوامع جهانی و مناسبات آنها را در سطح فراکلان مورد توجه قرار می‌دهد.

فارغ از نگاه سیستماتیک به جامعه، می‌توان این پدیده را اما در متن جاری زندگی نیز دنبال کرد. از این حیث، بازگو کردن جریان زندگی برای دیگران یکی از تعاملات محاوراتی را تشکیل می‌دهد که البته تبدیل آن به دستگاهی نظری هم ممکن است. در اینجا مهم آن است که بدانیم آدمیان چگونه به عنوان عضوی از جامعه، الگوهای زندگی را می‌آموزند و از آن آگاهانه در عمل سود می‌جویند. شناخت چگونگی آفرینش زندگی از سوی آدمیان قاعدتاً نظامی را به ذهن متبادر می‌کند که قابل شناسایی است و البته به

زبان‌های مختلف بیان می‌شود.

در بیان واقعیت زندگی توجه به دو نکته الزامی است: یکی این که در این بیان هیچ چیز روشنی وجود ندارد و تعریف معنایی هر کلمه و مفهوم، در قالب متن به کلمه و مفهوم دیگر ارجاع می‌یابد و به شرط واکنش شنونده، هویت پیدا می‌کند. از این رو متنی که می‌کوشد جریان زندگی را بیان کند، خود در نتیجه ایجاد سؤال از این جریان به وجود آمده و می‌تواند در مقابل جریان زندگی شنوندگان به پاسخگویی پردازد تا به اجماعی متقابل ختم شود. در غیر این صورت، نظریه‌پردازی از جریان زندگی یا فهمیده نمی‌شود و یا مورد بدفهمی قرار می‌گیرد. دوم آن که، نظم در جریان صحبت کردن شکل یافته و در این قالب، به جهان واقعی منعکس می‌شود؛ تا جایی که ما خود را در متن همین نظم معنا می‌کنیم و درمی‌یابیم و حتی مورد انتقاد قرار می‌دهیم.

وظیفه جامعه‌شناسی از این لحاظ عبارت از تفسیر قواعد معنادار راجع به نظم چنان بخشی از تولید واقعیت اجتماعی است. از این طریق امکان دریافت جریانات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آید. در واقع فرض بر آن است که معنا و شیوه محاوره، واقعیت اجتماعی را می‌آفریند و بلکه چنین واقعیتی را مفهوم می‌سازد. اگر واقعیت اجتماعی و جامعه، برساخته زبان و محاوره باشند؛ قواعد کلام و کنش به برقراری نظم اجتماعی یاری می‌رسانند و ضمناً نظمی نظری از این واقعیت را ارمغان ذهن می‌کنند. از این رو شناخت کنش اجتماعی و ساخت اجتماعی در صحبت از جریان زندگی به هم می‌آمیزند و یکدیگر را در ذهن و عین باز تولید می‌نمایند.

بر این اساس، سازمان کتاب حاضر از تقارن تجربه زندگی اجتماعی و دریافت جامعه‌شناختی آن سخن می‌گوید و پس از تشریح چگونگی عضویت آدمی در جامعه به مدد زبان و خانواده، حضور لایه‌بندی شده کارکردهای نهادینه او را پی می‌گیرد. این حضور البته از جلوه‌های آموزشی و دیوان‌سالارانه برخوردار می‌شود و تحت نظارت جمعی گروه عمل می‌کند. کار و فراغت در این شرایط البته همواره ثابت نیست و گاه به تغییر و انحراف نیز کشیده می‌شود. مضافاً آن که ارگانیسم رفتاری نیز در مراحل متوالی کودکی و نوجوانی و جوانی و پیری، ویژگی‌های متمایزی می‌یابد. اگر معانی نمادین این توضیحات تحت چنین شرایطی برای اعتلای معرفت و جهت‌گیری بهینه رفتارهای

اجتماعی کفایت کند؛ آنگاه وظیفه نظرپردازی جامعه‌شناسی و بلکه مقصود این کتاب برآمده است.

www.ketab.ir